

"کارگر هفت تپه ایم -"

گرسنه ایم، گرسنه ایم "

سر مقاله - صفحه ۲



وقتی که گرسنگی جرم می شود

صفحه ۷

" درود بر کارگران آگاه ، مبارز و خستگی ناپذیر نیشکر هفت تپه "

صفحه ۸

پیام تبریک محمود صالحی به کارگران نیشکر هفت تپه

صفحه ۱۱

مصاحبه با علی نجاتی از نمایندگان

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

صفحه ۱۲

روز شمار اعتصاب، تجمع و تظاهرات

" کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه"

صفحه ۳۴

کارگران نیشکر هفت تپه نماد تحرک ،

پویایی و مبارزه طلبی طبقه کارگر "

صفحه ۴۰

از سایت < کمیته هماهنگی برای کمک به

ایجاد تشکل های کارگری > دیدن کنید

www.komitteyehamahangi.com

" کارگر هفت تپه ایم -"

گرسنه ایم ، گرسنه ایم "

شعار " کارگر هفت تپه ایم - گرسنه ایم ، گرسنه ایم " را باید به عنوان یکی از شعارهای با اهمیت و قابل تعمق ، در دوره ی اخیر مبارزات کارگران هفت تپه، و به اعتباری ، طبقه کارگر ایران به حساب آورد و بر روی آن مکتب کرد . کارگران هفت تپه ، در واقع با سردادن این شعار و شعارهایی از این دست مثل " این بچه گرسنه - وعده سرش نمیشه " و... در راهپیمایی ها و تجمعات خویش ، عمق فاجعه ای را که از جانب سرمایه داران و نظام سرمایه داری ، گریبان گیر کارگران به مثابه ی یک طبقه شده است را آشکار می نمایند و با وضوح هر چه تمامتری در معرض نگاه و قضاوت همگان می گذارند. تورم و گرانی سرسام آور و همراه و در کنار آن دستمزدهای ناچیز و بی مقدار ، اخراج و بیکارسازی کارگران ، هر بار به بهانه و ترفندی ، تحمیل قراردادهای ذلت بار و قرون وسطایی کار با نام " قراردادهای موقت سفید امضاء " به کارگران و عدم امنیت شغلی آنان ، عدم

پرداخت به موقع حقوق و مزایای کارگران و تعویق آن ها، گاه برای ماههای متمادی و تا چند سال حتی ، و بی توجهی کامل و گاه تهاجم به حقوق و مطالبات اولیه و انسانی کارگران ، از جمله حق تشکل و اعتصاب، حق آزادی بیان و تجمع و . . . تماما" آن وضعیت فاجعه بار و غیر قابل تحملی است که سرمایه داری افسار گسیخته و ضد کارگری به خیل عظیمی از انسانهای کارگر و مولد جامعه تحمیل می کند و این طبقه ی تحت ستم و استثمار را ، به همراه خانواده هایشان به تباهی و فقر مطلق می کشاند .

کارگران هفت تپه امروز خود نماد این وضعیت فلاکت بار و غیر انسانی ای هستند که دقیقا" از سوی طبقه ی حاکم ، از هر جناح و باند آن ، به کارگران تحمیل می شود و آنان را به مثابه ی یک طبقه ، به بی حقوقی مطلق و تیره روزی می کشاند . شاید باور کردنی نباشد که بخش های وسیعی از کارگران این شرکت، امروزه ، شکم خود و خانواده های شان را با " نان قرصی " سیر می کنند و به دفعات ، با فروش وسایل و اثاثیه ی منازل خویش ، زندگی خود را اداره می کنند . و شعار

"کارگر هفت تپه ایم - گرسنه ایم" خود دلالت بر این وضعیت فلاکت بار و غیر انسانی تحمیل شده از جانب سرمایه داران ، به کارگران دارد. این شعار همچنین بیان کننده ی میزان بیرحمی و شقاوت سرمایه داران ، در استثمار هر چه شدیدتر و وحشیانه تر کارگران و افشاگر به اصطلاح وجدان اخلاقی طبقه ای است که حاضر است ، بخاطر حرص و آز طبقاتی و سیری ناپذیر خویش ، در انباشت روز افزون سرمایه و کسب سودهای نجومی ، حتی سفره ی خالی کارگران را از دست درازی و چپاول بی نصیب نگذارد و حتی آخرین بقایای توش و توان کارگران را به غنیمت بگیرد. وگرنه، کارگری که همه ی ثروت و رفاه را برای بشریت امروز و اساساً" جوامع بشری تولید می کند و با کار خویش به هستی و زندگی معنا و مفهوم می بخشد چرا باید گرسنه بماند و حتی از حقوق اولیه و ابتدایی خویش نیز محروم گردد ؟ آری فریاد " کارگر هفت تپه ایم - گرسنه ایم ، گرسنه ایم " کارگران هفت تپه ، در کوچه ها و خیابان های شهر شوش - با همه ی بلند نظری و مناعت طبعی

که در کارگران سراغ داریم - خود از یکسو عمق فاجعه را در رابطه با مسائل معیشتی کارگران و یا لاقط بخش های وسیعی از آنان به نمایش می گذارد ، و از دیگر سو ، مبین اوج پستی و دنائت سرمایه داران ، به عنوان طبقه ای است که در تعرض و دست اندازی به حقوق و منافع کارگران و استثمار هر چه بیرحمانه تر آنان ، هیچ حد و مرزی نمی شناسد و حتی از آخرین رمق های کارگران و سفره ی خالی آنان نیز در نمی گذرد. و این وضعیت کارگر ، به مثابه ی تولید کننده ی همه ی رفاه و ثروت جامعه در نظام سرمایه داری است و تا زمانی که چنین نظام نابرابر و ضد کارگری پا برجاست ، اوضاع و شرایط کارگران و وضعیت معیشتی و اقتصادی آنان بهتر از این نخواهد شد.

سرمایه داران و عوامل و توجیه کنندگان نظم سرمایه ، البته مدام کارگران را به صبر و استقامت و تحمل چنین وضعیتی در رو در رویی با نامالیقات و معضلات این نظام فرامی خوانند و از کارگران می خواهند که با کار و تلاش بیشتر ، برای آبادانی و به اصطلاح سرافرازی

میهن خویش (؟!!!!) بکوشند و در مقابل اوضاع اسف بار و غیر قابل تحمل آن ، سر تسلیم فرود آورند . کارگزاران سرمایه ، همچنین از کارگران می خواهند که اعتراض و مبارزه نکنند و به اصطلاح موقعیت چنین نظامی را به مخاطره نیندازند تا آنان از این آبادانی و رفاه، بهره مند شوند و به ثروت های افسانه ای و سودهای نجومی دست یابند . اما کارگران ، امروزه دیگر این ترفندهای سرمایه و حيله های آن را تا حدود زیادی شناخته اند و با این بازی ها آشنا شده اند. آنان به چنین وضعیتی و چنین سرنوشتی تمکین نمی کنند و هیچگاه نیز تمکین نکرده اند.

کارگران در طول تاریخ حیات و موجودیت خویش ، همواره نسبت به اوضاع نا برابر و اسف بار زندگی خود دست به اعتراض و مبارزه زده اند و پیوسته نظام ضد کارگری سرمایه داری را به چالش کشیده اند . اعتراض و مبارزه کارگران هفت تپه نیز ، در کلیت خویش البته جدا از اعتراضات و مبارزات عمومی کارگران ، نسبت به وضعیت سخت و اسف بار تحمیل شده از سوی

سرمایه داران ، به کارگران نمی باشد . کارگران هفت تپه در حقیقت به اوضاع نابسامان و غیر قابل تحمل کار و زندگی خویش اعتراض کرده اند. آنان حقوق و مطالبات حقه و انسانی خویش را طلب می کنند. اگر چه همواره با تهدید و ارعاب و شکنجه و زندان پاسخ می گیرند. عوامل سرمایه در مقام پاسخگویی به خواستها و منافع به حق کارگران ، به دفعات به صفوف اعتراضی آنان هجوم می برد و کارگران را مورد ضرب و شتم قرار می دهد و رهبران و فعالین شان را به محاکمه و زندان می کشاند .

با این همه کارگران نیشکر هفت تپه عقب ننشستند و با همه ی وجود از حقوق و منافع خویش دفاع کردند و در مقابل تعرض سرمایه داران ، به مبارزه و مقاومتی جانانه دست زدند، که اعتصاب ۵۰ روزه ی کارگران ، خود یک نمونه از آنها و در حقیقت به مثابه ی برگ زرینی است، بر تارک مبارزات کارگران ایران ، بویژه طی سالهای اخیر . کارگران هفت تپه حتی پا را از این هم فراتر گذاشتند و در طول همین مبارزات و در اوج فشارهای مالی و پلیسی موجود ، در جهت انسجام بخشیدن

به مبارزات جاری خود، هیئت بازگشایی سندیکای خویش را اعلام کردند و بدینوسیله و از این طریق پیام گرانمایی را برای طبقه ی کارگر ایران، بویژه بخشهای فعال آن ارسال داشتند که در مبارزه برای به کرسی نشاندن حقوق و مطالبات کارگران، سازمانیابی و ایجاد تشکل های کارگری از اهمیت درجه ی اول برخوردار است. تا آنجا که بدون تشکل و هماهنگی لازم میان کارگران، حتی به سختی می توان به سر منزل مقصود رسید.

با این وجود، کارگران نیشکر هفت تپه، امروز سخت به حمایت سایر بخشهای کارگران در دیگر کارخانه ها و مراکز کار و تولید، نیازمندند. باید به یاری شان شتافت. نباید آنها را تنها گذاشت. پیامد های تنها گذاشتن کارگران هفت تپه، در مرتبه اول، دامن خود کارگران را به مثابه یک طبقه خواهد گرفت و بیش از همه به نفع سرمایه داران، این مسببین اصلی همه ی فلاکت ها و بدبختی های کارگران تمام خواهد شد. کارگران هفت تپه، در شرایط حاضر خود را به عنوان بخش پیشرو و رادیکال طبقه ی کارگر،

در ایران مطرح کرده اند. باید برای تامین اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران، بویژه با این بخش ها ارتباط برقرار نمود. باید این بخشها را به هم پیوند زد. اعتراضات و مبارزات کارگران هفت تپه، اگر با حمایت سایر بخشها و مراکز کارگری مواجه نشود و تنها بماند، سرانجامی بهتر از کارگران شرکت واحد نخواهد داشت. طبقه ی کارگر ایران، بویژه بخشهای پیشرو و آگاه آن، نباید از مبارزات کارگران این شرکت غافل بمانند.

واقعیت اینکه، پیروزی کارگران هفت تپه را باید به مثابه ی پیروزی طبقه ی کارگر ایران قلمداد کرد. کارگران هفت تپه، اگر حرف شان را به کرسی بنشانند، یعنی به حقوق و مطالبات خویش دست یابند و تشکل خویش را به سرمایه داران تحمیل کنند، خود میتوانند به محرکی برای پیروزی های بعدی کارگران و موفقیت های پی در پی آنان برای تحقق خواستها و مطالبات همه جانبه ی کارگران تبدیل شوند.

مبارزات کارگران هفت تپه در صورت موفقیت می تواند به نقطه ی عطفی در مسیر حرکت های اعتراضی کارگران

برای تحقق خواست ها و مطالبات آنان و انسجام و یکپارچگی بیشتر، در جهت اتحاد و همبستگی طبقاتی و ایجاد تشکل های کارگری تبدیل شود.

پس با همه ی توان به حمایت از کارگران هفت تپه برخیزیم و به موفقیت و انسجام بیشتر آنان در مبارزه یاری رسانیم.

پیروز باد مبارزات کارگران هفت تپه

**کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد
تشکل های کارگری**

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران

وقتی که گرسنگی جرم می شود

صبح روز سه شنبه ۲۱ خرداد ماه، بیش از صد نفر از کارگران نیشکر هفت تپه در حالی که پلاکارد هایی با مضمون دفاع از حقوق و مطالبات کارگری خویش در دست داشتند اقدام به راهپیمایی از بازار شوش به سمت فرمانداری این شهر نمودند. کارگران که بیش از ۴ ماه است دستمزد دریافت ننموده اند و شدیداً تحت فشار اقتصادی قرار دارند با شعار " کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم"، دردشان را فریاد زدند. کارگران هفت تپه در شهر کوچک شوش امکان دیگری برای امرار معاش ندارند و برآستی شعاری که می دهند بیان وضعیت وخیم و گرسنگی به معنای واقعی کلمه است. در طول یک ماه گذشته که آنها به روشهای مختلف صدای اعتراضشان را بلند نموده اند، از سوی مسولین گوش شنوایی نیافتند. چرا که سیاست کلی دولت مبنی بر نادیده گرفتن حقوق و مطالبات آنها بود. اما به مرور که صدای کارگران گرسنه هفت تپه بگوش دیگران رسیده است، دولتمردان گرسنگی را جرم تشخیص دادند و به آنها حمله نمودند. نیروهای ضد شورش رژیم بر سر کارگران ریختند و با با طوم آنها را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند. ظاهراً در دنیای امروز لازم نیست گرسنگان صورتشان را با سیلی سرخ کنند، صورت و بدنها را ماموران با طوم سرخ می کنند!

پس از ضرب و شتم کارگران ۴ نفر به نامهای ایرج عابدینی، نجات دهلی، عباس خمیس نیا و حبیب ناصر، دستگیر و روانه اداره آگاهی شدند. ظاهراً در اینگونه مواقع نه بروکراسی وجود دارد و نه قانونی. مسئله اعتصاب و تظاهرات کارگران بهیچ وجه به اداره آگاهی مربوط نمی شود، اما آنها کارگران بازداشتی را به اداره آگاهی منتقل و به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. اما کارگران هفت تپه با عزمی راسخ اعلام نموده اند که از این پس این قبیل برخوردها آنان را مرعوب نخواهد کرد و کارگران با تمام توان به اعتراضات و مبارزات خویش ادامه خواهند داد.

آری، امروزه در کشور ما گرسنگان مجرمند و اعتراض برای گرسنگی جرم شناخته می شود، چون همین کارگران گرسنه اگر با هم متحد شوند و از یکدیگر حمایت نمایند ارتشی از گرسنگان خواهند ساخت که بساط گرسنگی و عاملان آن، یعنی سرمایه داران و نظام سرمایه داری را بر خواهند چید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل های کارگری

۱۳۸۷/۳/۲۵

" درود بر کارگران آگاه، مبارز و خستگی ناپذیر نیشکر هفت تپه "

خبر تشکیل آگاهانه و قدرتمندانه ی سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ، آن هم در شرایطی که کارگران این شرکت ، همچون کارگران سایر مناطق و مراکز تولید در ایران ، به شدت از جانب سرمایه و عوامل ریز و درشت آن تحت ستم و استثمار قرار دارند و آشکارا از پراکندگی و عدم انسجام ، حتی برای پیگیری خواستها و مطالبات روزمره و اقتصادی خویش در رنج اند، نمی تواند موجبات شادمانی و مسرت همه ی کارگران آگاه و پیشرو و فعالین کارگری مرتبط با منفعت طبقاتی کارگران را فراهم ننماید.

کارگران آگاه و پیگیر نیشکر هفت تپه ، با عمل جسورانه و انقلابی خویش ، در اعلام تشکیل سندیکای این شرکت ، در چهل و دومین روز اعتصاب دلاورانه ی خود ، آنهم

درست در اوضاع و احوالی که همه ی جناحها و باندهای سرمایه داری حاکم ، در پی منافع استثمار گرایانه و ضد کارگری خود ، این کارگران را تنها بخاطر پی گیری حقوق و مطالبات حقه و مسلم شان ، به سختی تحت فشار و منگنه قرار داده اند ، در واقع درک عمیق و بالای خویش را از سازمان یابی و شکل پذیری به نمایش گذاشته و پیام های گرانقدر و معناداری را برای کارگران ، در همه ی مراکز کار و تولید به ارمغان آوردند . با این مضمون که : سرمایه داران از عدم انسجام و پراکندگی ما کارگران به بهترین شکلی استفاده می کنند و ما را سخت تحت فشار و تنگنا قرار می دهند و به شدیدترین وجه ممکن استثمار می کنند . لذا کارگران اکیدا" به تشکل های مستقل و طبقاتی خویش نیازمندند .

کارگران همچنین برای ایجاد تشکل های کارگری ، نیازی به کسب اجازه از دولت و کارفرمایان ندارند . ایجاد اینگونه تشکل ها ، امروزه جزء

پیام تبریک محمود صالحی به کارگران نیشکر هفت تپه

اخیرا مطلع شدم که کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در سخت ترین شرایط، موفق شدند که سندیکای خود را تشکیل دهند.

من به عنوان یک هم طبقه ای، به شما کارگران عزیز شرکت نیشکر هفت تپه و تمام کارگران ایران و جهان، تشکیل این تشکل خود ساخته را تبریک عرض می‌کنم و یقین دارم که شما کارگران نیشکر هفت تپه با تشکیل سندیکای خود ساخته می‌توانید مشکلات خود را به نصف برسانید.

پیروز و سربلند باشید

محمود صالحی

۱۳۸۷/۳/۲۸

قرار داد موقت، این ابزار سرمایه ملغی باید گردد

مصاحبه با علی نجاتی از نمایندگان

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

(متن مصاحبه زیر از روی نوار صوتی)

پیاده شده)

بهزاد سهرابی: ضمن تشکر از شما بخاطر شرکت در این مصاحبه قبل از هر چیز از شما تقاضا دارم برای این که خوانندگان نشریه جنبش کارگری بیشتر با شما آشنا شوند خودتان را معرفی کنید و در صورت امکان توضیح دهید که چند سال است وارد بازار کار شده اید و سابقه کار شما در شرکت نیشکر هفت تپه چند سال است:

علی نجاتی: با تشکر از شما آقای سهرابی بنده علی نجاتی هستم. متولد سال ۱۳۴۱. در جواب سوال ثان باید بگویم بنده از ۱۰-۱۲ سالگی وارد بازار کار شدم و دلیل وارد شدن به بازار کار طبیعتاً بر می‌گردد به مسائل مالی خانواده. چون بنده در یک خانواده کارگری متولد و بزرگ شدم. بخاطر وضعیت مالی از همان اوایل زندگی یعنی ۱۰-۱۲ سالگی که زمان رشد، کودکی و نوجوانی ما بود، مجبور شدیم به بازار کار رو بیاوریم.

ابتدا در بازار کار، بنای کار کردم و کارهای مختلف دیگر انجام دادم و حتی برای مدتی در کوره پزخانه ها کار کردم تا زمانی که به خدمت سربازی رفتم. بعد هم که از خدمت سربازی برگشتم مجدداً از ۲۲ سالگی به بازار کار روی آوردم و در شرکت نیشکر هفت تپه مشغول به کار شدم و از سال ۶۳ همچنان دارم کار می‌کنم.

بهزاد سهرابی: در رابطه با اعتراضات و اعتصابات که در شرکت نیشکر هفت تپه صورت گرفته سوال مشخص اینه که دلیل این اعتراضات و اعتصابات در شرکت نیشکر هفت تپه چه چیزهایی بوده و خواسته‌های شما از اولین روزی که این اعتراضات را شروع کردید تا به امروز بر چه اساسی بوده و خواسته‌های مشخص تان را اگر می‌شود برای خوانندگان ما توضیح دهید.

علی نجاتی: همانطور که اطلاع دارید اعتراضات ما مشخصاً مانند تمام اعتراضات کارگران در سطح کشور و در سطح بین المللی در رابطه با وضعیت معیشتی کارگران هست. کارگران هفت تپه طبیعتاً نیز از این مسئله مستثنی

نیستند. کارگران هفت تپه وضعیت معیشتی بسیار اسفناکی دارند. در گرمای حدود ۵۰ - ۴۵ درجه ای که در خوزستان است و سرمای شدیدی که زمستان های آن دارد و واقعا "سرمایش به استخوان می زند باید کار کنند. با دستمزد و مزایای بسیار پایین. همانطور که گفتیم کارگران نیشکر هفت تپه از نظر وضعیت دستمزد و معیشت بسیار در مضیقه هستند و بخاطر همین مسائل اعتراضاتی کردند. حدوداً از خرداد ماه سال ۸۶ بیشتر اعتراضات در رابطه با عدم پرداخت به موقع دستمزدها بود. می دانیم که امروزه تورم موجود در جامعه در سطحی است که دستمزد کارگر جوابگوی خواسته ها و مطالبات معیشتی آنان و خانواده های شان نیست. علاوه بر این طی سال های اخیر نه تنها بر میزان دستمزدها ی مان اضافه نشده و وضعیت معیشتی ما بهتر نشد، بلکه بدتر هم شده است. دلیلش هم این است که همان حقوق ناچیز هم به موقع پرداخت نمی شد. قبلاً که حقوق خودمان را به موقع (سر ماه) می گرفتیم مسئله مالی داشتیم. حالا که سه - چهار ماه می گذرد و

دستمزد کارگران پرداخت نشده است وضع کارگران بسیار بد تر شده است و اعتراضات در حقیقت بخاطر این مسائل است. یکی بخاطر وضعیت دستمزد که واقعا" پایین بود و دیگر اینکه به جهت عدم پرداخت به موقع دستمزدها. البته خواستهای دیگری هم داریم، از جمله طرح طبقه بندی مشاغل و وضعیت ایاب و ذهاب کارگران و رسمی شدن آنان و همچنین تعدیل نیرو به این صورت که کارگرانی ما داریم که جدا" از نظر کاری و از نظر فنی در مسائل کاری خودشان در حد استادند. اما مسئولین کارخانه دارند این نیروها را که در بخش های مختلف کارخانه کار می کنند به بهانه ی تعدیل نیرو بازنشسته یا بازخریدی کنند. که متاسفانه ما از این بابت ضربه شدیدی خوردیم. یعنی کلاً نیشکر هفت تپه ضربه شدیدی خورد. علتش همین است که چون تجربیاتی که این کارگران داشتند در رابطه با کار خودشان فوق العاده بود و بعد از تعدیل این نیرو ها و رفتن آن ها متاسفانه شرکت از نظر نیرو های کارآمد لطمات شدیدی دید. این مسائل هم بارها و بارها در رسانه ها و مجلات مختلف

صحبت شده، ولی متاسفانه تاکنون هیچ جوابی از طرف مسئولین در رابطه با حل مشکل کارگران داده نشده است. **بهزاد سهرابی**: آقای نجاتی، شما فرمودید که دور دوم اعتراضات شما از فروردین ۸۷ صورت گرفت. قبل از آنهم اعتراضاتی داشتید. لطفاً بفرمایید از چه زمانی شروع شد و چه اقداماتی در دستور کار شما بود؟ کجا اعتصاب میکردید؟ و تا آنجایی که ما شنیدیم در سطح شهر شوش، جلوی فرمانداری شما اعتراض میکردید. راجع به این هم اگر توضیح بدهید، خیلی ممنون میشوم. **علی نجاتی**: همانطور که اطلاع دارید، اعتراضات ما از مهر ماه سال ۸۶ بطور جدی و علنی صورت گرفت و از همان موقع (مهر سال ۸۶)، اعتصابات ما مقطعی بود و مثلاً" در دوماه یا سه ماهی، یک هفته یا سه و یا چهار روزی اعتصاب داشتیم. همینطور مقطعی بود تا زمانی که به اسفند ماه رسیدیم که عیدی و پاداش کارگران را پرداخت نکردند. ما هم مجبور شدیم بخاطر فشار مالی که به ما وارد می شد، صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین منطقه به عنوان مثال

فرماندار شهرستان شوش برسانیم. کارگران مجبور شدند به حالت اعتراض بطرف فرمانداری شهرستان شوش بروند و چند روزی را هم آنجا تجمع کردیم، اعتراض کردیم و شعارهایی هم کارگران دادند که از جمله آن ها شعارهایی مثل: " معیشت زندگی حق مسلم ماست" و " کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه" بود. اعتراضات ما چند روزی، جلوی فرمانداری شوش انجام گرفت تا اینکه مسئولین قول مساعد دادند که وضعیت نیشکر هفت تپه را از این حالتی که هست بیرون بیاورند که تا الان که تیر ماه ۸۷ است هنوز هیچ اقدامی در رابطه با رفع مشکلات کلی نیشکر هفت تپه، از جمله وضعیت دستمزد کارگران انجام نگرفته است. **بهزاد سهرابی**: حرکتهای اعتراضی ابتدا در کارخانه انجام می گرفت، و سپس وقتی که شما برای بیان اعتراض خود به داخل شهر شوش و مشخصاً جلوی فرمانداری رفتید، آیا از طرف نیروهای امنیتی با شما برخوردی شد؟ یا هیچ گونه برخوردی در رابطه با اعتراض شما صورت نگرفت؟

علی نجاتی : بعد از اینکه اعتراضات جدید ما شروع شد (از ۱۶ اردیبهشت امسال) بطور خیلی جدی این اعتراضات دامنگیر شد بطوری که به شهرستان شوش آمدم و حدود یک هفته در مرکز شهر و قسمتهای مختلف آن کارگران اقدام به راهپیمایی کردند و شعارهایی از جمله " مرگ بر ساعدی " می دادند. ساعدی نماینده شهرستان شوش در مجلس است که الان تا آنجایی که ما اطلاع داریم ، وی رئیس کمیسیون کشاورزی است و یک پستی هم در حکومت دارد. این آقا حداقل می تواند مشکلات فعلی کارگران نیشکر هفت تپه را تا حدودی تقلیل بدهد که متأسفانه از طرف ایشان هیچگونه صحبتی و یا اقدامی در رابطه با رفع مشکلات نیشکر هفت تپه صورت نگرفته است . در همین رابطه کارگران از ۱۶ اردیبهشت تا ۳-۴ تیر اعتصاب داشتند . در ۵۰ روز گذشته کارگران بارها به سطح شهر آمدند و راهپیمایی کردند . جاده بین المللی اهواز - اندیمشک را بستند . بارها سه راهی خوانساری را که منتهی به کارخانه می شود بستند و بارها و بارها هم نیروی انتظامی با آنها درگیر شد.

کارگری که به دنبال حق و حقوق از دست رفته خودش بود . یعنی این که کارش را انجام می داد ولی حقش را بهش نمی دادند. حقش باتوم و چه می دانم گاز اشک آور و این چیزها بود . ضرب و شتم بود . سرکوب نیروی انتظامی بود و مسائلی از این قبیل . اما کارگران هیچ زمانی از نیروی انتظامی و یا نیروهای لباس شخصی واهمه ای نداشتند . به این دلیل که دنبال حق و حقوق شان بودند و این حق هم چیزی نیست که انسان بتواند ازش بگذرد . حق چیزی است که باید بگیریش و کارگران هیچ زمانی از نیروی انتظامی ترس و واهمه ای نداشتند . با اینکه سرکوب شدند و حتی بچه ها ایشان هم زخمی شدند . دست کارگران شکست ، سرشان شکست ، زندانی شدند ، دادگاهی شدند ولی هیچ زمانی از حق و حقوقشان عقب نشینی نکردند. و این قول را من به شما می دهم که تا زمانی که کارگران نیشکر هفت تپه به حق و حقوق خودشان نرسند ، دست از مبارزه بر نمی دارند و دنبال حقشان هستند .

بهزاد سهرابی : همانطور که اطلاع دارید جنبش کارگری چه در سطح وسیع در

دنیا ، و چه در سطح ایران یک تجارب خاصی را تا به امروز داشته . تجربه ی دیگری که به این برگ زرین جنبش کارگری اضافه شده است حرکت ۵۰ روزه ی شما کارگران است ، که تا به امروز ادامه داشته و از نظر شکل و وسعت توی جنبش کارگری ایران تاثیر گذار بوده است .

خواهش میکنم مقداری در مورد این اعتصاب ۵۰ روزه و این تجربه ی با ارزش کارگری ، توضیحاتی بدهید .

علی نجاتی : من به عنوان یکی از کارگران نیشکر هفت تپه ، جدا" از تشکل های کارگری ، از سندیکا ها ، از همه ی فعالین و کسانی که از کارگران در سطح کلان در ایران و در سطح جهانی حمایت می کنند و کلا" از جنبش کارگری تشکر می کنم . یکی از چیزهایی که باعث شد ما بتوانیم روند صعودی در رابطه با اعتراضات مان و احقاق حقوق مان داشته باشیم و به اعتصابات و اعتراضات خودمان ادامه بدهیم، همین تجربیات دوستان است که به هر حال با صحبتهایی که با این دوستان شد و از تجربیات آن ها استفاده شد حقیقتاً" تا به الان به نتیجه

خوبی رسیدیم . حداقل به این نتیجه رسیدیم که گارگر امروزه باید تشکل آزاد و مستقلی از خودش داشته باشد که بتواند از مطالبات و حقوق انسانی کارگران دفاع نماید . ما طی چند سالی که تشکلی به اسم شورای اسلامی کار داشتیم ، هیچگونه اقدامی در رابطه با بهبود وضعیت معیشتی کارگران یا وضعیت ایمنی و بهداشتی آنان که بایستی نماینده به اصطلاح کارگران در شورای کار انجام میداد، صورت نگرفت و ما کارگران نیشکر هفت تپه الان به این نتیجه رسیدیم که باید کارگر نماینده واقعی خودش را داشته باشد و نماینده واقعی کارگر کسی نیست ، جز این که کارگر خودش انتخاب کند . یعنی کارگر نماینده خودش را مستقیماً" انتخاب بکند و این هم در تشکلی به اسم شورا به هیچ عنوان نمی گنجد . دلایل هم بسیار روشن است .

تشکلی به اسم شورای اسلامی کارگران و نمایندگان آن باید از چند فیلتر مانند مدیریت شرکت ، حراست ، اداره کار و بسیاری فیلتر های دیگر عبور کنند تا تایید شوند . معلوم است نمایندگانی که به این شکل انتخاب شوند به هیچ وجه نمی توانند به عنوان نماینده ی کارگران از حق و

حقوق آنان دفاع نمایند. بنا بر این کارگر به این نتیجه رسیده که امروز تشکلی به اسم تشکل آزاد سندیکایی داشته باشیم. لذا کارگران این شرکت که در یک منطقه بسیار محرومی از خوزستان قرار دارد، به این نتیجه رسیدند که تلاش کنند تا نمایندگان واقعی و منتخب کارگران انتخاب شوند و سندیکای آزاد و مستقل کارگران تشکیل شود تا بتوانند از حق و حقوق کارگر در رابطه با کارفرما یا مدیریت شرکت و همچنین در مقابله با مقامات شهرستان یا استان دفاع کنند و ارتباط گسترده تری با دیگر تشکل های کارگری در سطح کشور و همچنین در سطح جهانی برقرار کنند. چون مسئله کارگری مسئله یک شخص یا یک شهر یا یک کشور نیست. مسئله کارگری مسئله کلی است. یعنی مسئله جهانی است و ما طبقه کارگر بایستی با هم متحد و متشکل بشویم و در راستای اهداف کارگری خودمان فعالیت نماییم. من خوشحالم که کارگران نیشکر هفت تپه امروز به این نتیجه رسیدند که در سطح کلی با کارگران دنیا ارتباط برقرار کنند.

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون. در خلال صحبت هایی که داشتید، اشاره کردید به شورای کار و شوراهای کارگری! در اینجا یک ابهامی دیده می شود. منظورتان از شورای کار یا شوراهای کارگری چیست؟ منظور شما همان شورای اسلامی کار است؟

علی نجاتی: بله. منظور من از شورا یا شورا های کارگری همان شورای اسلامی کار است که در قانون کار به آن اشاره شده است. البته اگر شورای کار، شورای واقعی کارگران باشد، بسیار خوب است. یعنی نماینده ی واقعی کارگر باشد. نه اینکه تحت نظر مدیریت باشد و یا از جایی خط بگیرد یا نماینده ی جایی دیگر باشد. ما از این بابت به تشکل های کارگری نگاه می کنیم که واقعا نماینده کارگران باشند و مسائل کارگران را بیان نمایند. حالا اسم آن چه شورای کارگری باشد و چه سندیکا. با توجه به تجربه ی ۲۵ ساله ای که به عنوان یک استاد کار قند ساز در شرکت نیشکر هفت تپه دارم، تاکنون نماینده ای ندیدم که از حق و حقوق ضایع شده کارگران در شرکت دفاع کند.

بهزاد سهرابی: مشخص است که بر اساس قانون کار یک سری فیلترهای گزینشی وجود دارد برای کسانی که به عنوان نماینده شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی کارگران یا نماینده کارگری انتخاب می شوند. سه نوع تشکلی که در قانون کار به آن اشاره شده، باید از طریق کارفرما، نیروهای امنیتی و پلیسی و خود وزارت کار تایید بشوند و طبیعتاً کسانی که از این کانال ها عبور می کنند و تایید صلاحیت می شوند، دیگر نمی توانند نماینده کارگران باشند و به نفع کارگران کاری انجام دهند. آن ها در واقع نماینده ی کارفرمایان یا دولت ها هستند و نه نماینده ی کارگران. بحث هایی که حد اقل در سه سال گذشته در جنبش کارگری جریان داشته پا فشاری های زیادی روی این موضوع داشتند که تشکل های کارگری باید آزاد و مستقل باشند و به نیروی خود کارگران ایجاد شوند. بدون وابستگی به دولت یا کارفرمایان. چرا که فقط نیروی خود کارگران و نمایندگان واقعی آنان می توانند در راستای مطالبات کارگران حرکت نمایند و منافع آنان را مد نظر داشته باشند. شما در خلال صحبت های

تان اشاره به سندیکا کردید. سؤال مشخص من این است که چه ضرورتی وجود داشت که به این نتیجه رسیدید تا تشکل سندیکایی کارگران نیشکر هفت تپه را بازسازی کنید و برای تشکیل مجدد آن تلاش نمایید؟ در ادامه اگر برایتان ممکن است اعضای این هیئت را معرفی نمایید و بگویید که این اعضا و فعالین چگونه و به چه شکلی دوباره به عنوان نماینده تعیین می شوند؟ همچنین بفرمایید که آیا این تشکل می تواند شما را آگاهانه تر، سازمان یافته تر و قوی تر، به مقابله با کارفرما یا مدیریت شرکت و یا عواملی که به انحاء مختلف در مقابل شما سد و مانع ایجاد می کنند بکشاند و در برابر آنان نقش ایفا کند؟ آیا این تشکل میتواند آن اندازه توانمند باشد که شما را به خواسته هایتان برساند؟

علی نجاتی: بله. همانطور که در خلال صحبتها اشاره شد ما در کوران مبارزه و دفاع از خواست ها و منافع خودمان به این نتیجه رسیدیم که بایستی تشکل داشته باشیم و آن را هر چه سریعتر ایجاد کنیم. ما در جریان فعالیت های مان به ضرورت سندیکا یا همان تشکل سندیکایی که کارگر

نماینده واقعی خودش را در این تشکل داشته باشد رسیدیم . در ارتباط با تشکل ما توانستیم صحبت‌هایی با دوستان و کارگران در این رابطه داشته باشیم . ما به این نتیجه رسیدیم که هر کارگری که می‌خواهد عضو این تشکل بشود می‌تواند بیاید و آزادانه عضو بشوند . هیچگونه مانعی هم برای این کار وجود ندارد. تنها شاید برخوردهای امنیتی و پلیسی در این رابطه بشود که طبیعتاً هم می‌شود. ولی ما کار خودمان را می‌کنیم . همان‌طور که گفتم ما به این نتیجه رسیدیم که کارگر باید تشکل خودش را داشته باشد . لذا با همان اعضایی که در هیئت بازگشایی هستند و در تمام این دوره برای کارگران فعالیت کرده اند اعضای هیئت موسس یا هیأت بازگشایی . چون قبلاً" نیشکر هفت تپه سندیکا داشته است . سال ۵۲ تاسیس شد. الان دوستانی که در هیئت بازگشایی هستند ، همان دوستانی هستند که در حین اعتصابات کارگری فعالیت‌های زیادی داشتند . از جمله فعالیتها این بود که مرتباً" امر ارتباط دادن کارگران با هم ، انسجام راهپیمایی‌ها و اعتصابات و اعتراضات بود . ارتباط با مسئولین منطقه . تعدادی از

کارگران که الان به عنوان هیئت بازگشایی سندیکا معرفی شدند حتی ۸۰ - ۷۰ درصد کارگران نیز آنان را تایید می‌کنند . دوستان ما در همین فعالین کارگری که اگر لازم بدونید اسامی آنها را هم برای شما بگویم .

بهزاد سهرابی : اسامی چه کسانی ؟

علی نجاتی : اسامی فعالین کارگری را و یا همین اعضای سندیکا را !

بهزاد سهرابی : بله .

علی نجاتی : اعضای سندیکا یا هیئت بازگشایی . البته این اسامی در آینده بنا به موقعیت زمانی به احتمال زیاد تغییراتی هم خواهد کرد. افرادی اضافه یا کم میشوند.

ولی در حال حاضر این افراد به عنوان هیئت بازگشایی هستند . آقایان : محمد حیدری مهر ، رمضان علی پور .

فریدون نیکوفرد ، علی شریفی ، رحیم بسحاق ، جلیل احمدی ، نجات دهلی ، و خودم (علی نجاتی) . اینها دوستان هیئت بازگشایی هستند . این دوستان از فعالین کارگری هم هستند . البته دوستان دیگری هم هستند مانند : آقای رضا رخشان و .

. . الان حقیقتاً" اسامی شان تو ذهنم

نیست . دوستانی هستند که در رابطه با نمایندگی سندیکا کاندید شدند .

بهزاد سهرابی : من یک سؤال دیگر به ذهنم آمد. قبل از اینکه شما وارد بازگشایی سندیکای نیشکر هفت تپه شوید ، تا آنجایی که اطلاع دارم ، یک سری امضاء جمع کردید تا از کانتال وزارت کار بروید یک تشکلی که خودشان مد نظر داشتند، ایجاد کنید . این کار به کجا رسید ؟ آیا وزارت کار با این تقاضای شما به اصطلاح هماهنگ شد ؟ جواب رد داد یا نه ؟ این را اگر میشود ، توضیح بدهید .

علی نجاتی : ما این امضاهایی که شما می‌گویید در ماههای بهمن و اسفند سال ۸۶ از کارگران گرفتیم . حدود دو هزار امضاء در رابطه با همین تشکل سندیکایی که وقتی به استان مراجعه کردیم ، اداره کار شدیداً" با اسم سندیکا مخالفت کرد . گفتیم خوب ، حالا اگر میدانید از نظر قانونی مشکل است ، مسئله ای نیست . ما یک تشکل صنفی انجام میدهیم . که باز با این تشکل صنفی هم مخالفت کردند و بارها از طریق اطلاعات و از طریق اداره کار صحبت شد که به هیچ عنوان کارگر نیشکر هفت تپه ، تشکل صنفی حتی طبق

قانون ۱۳۱ جمهوری اسلامی که در قانون کار آمده نمی‌تواند تشکیل بدهد . با این هم موافقت نکردند هم اداره کار و هم بقیه مسئولین . ما طبیعتاً" خیلی فشار آوردیم حدود یک سال ۹ ماه ما فشار آوردیم به کارگر یا اینکه بایستی تشکل صنفی آزادی داشته باشد یا شورا نمی‌خواهد !

بهزاد سهرابی : منظور شورای اسلامی کار است ؟

علی نجاتی : شورای اسلامی کار . بله . ، کارگر به هیچ عنوان موافقت نداشت . صحبتی شد مبنی بر اینکه تشکل صنفی داشته باشیم . در درجه اول تشکل سندیکایی . ولی دیدیم مخالفت می‌شود . بخاطر اینکه ما اهدافی داریم که می‌خواهیم به آنها برسیم . در نتیجه یک مقدار عقب نشینی می‌کنیم . بخاطر اینکه به هر حال قدرت در دست مسئولین است و ماباید کنار بیاییم . چون قدرت اجرایی نداریم . ما قدرتی که داریم ، پشتوانه ما پشتوانه کارگری است . و از این نظر گفتیم بخاطر اینکه به اهدافی که داریم برسیم . که همان حق و حقوق ضایع شده مان . اشکال ندارد از این حق گذشتیم . حق قانونی خودمان یعنی سندیکای کارگری ولی متأسفانه با

اینکه گفتم دو هزار امضاء از طرف کارگران در رابطه با تشکل سندیکا جمع کردیم ولی آنها موافقت نکردند. ما گفتیم تشکل صنفی می خواهیم با تشکل صنفی ما هم موافقت نکردند. و ما به این نتیجه رسیدیم که امروز دیگر نمی شود با این مسئله کنار آمد و امروز حرف اول و آخر را باید کسی بزند که سرنوشتش وابسته به آن است و او کارگر است. کارگر هم سندیکای کارگری می خواهد. بخاطر احقاق حقش و نه چیزی کمتر و نه چیزی بیشتر.

بهزاد سهرابی: یعنی بر این باورید که به هر حال این تشکل حالا عنوانش هر چه باشد. سندیکا و یا هر شکل دیگر. فقط تنها چیزی که مد نظر شما بود در این روندی که خود کارگرها نماینده های خودشان را داشته باشند. استقلال طبقاتی خودشان را حفظ کنند و نهایتاً در راستای مطالبات خود کارگرها حرکت کنند. این بحث شما بود که متاسفانه همانطور که خودتان توضیح دادید، وزارت کار و قانون کار در این راستا چون با این مسئله و مطالبات کارگری منافات دارد به این نتیجه رسیدی که خودتان بیاید

سندیکای خودتان را با نیروی خود کارگرها ایجاد کنید. من یک سئوالی که برایم پیش آمد. این است که این وحدت و هماهنگی بین شما که به هر حال از روزهای اول نانوشته بود ولی امروز دوباره ما خوشبختانه می بینیم. شما به عنوان یکی از نماینده های کارگری. فعلاً بین کارگران نیشکر هفت تپه شناخته شده هستی! رابطه شما به عنوان یکی از نماینده های کارگران نیشکر هفت تپه با خود کارگران چگونه است؟ چه مقدار بحث ها و نظرات شما در رابطه با مطالبات کارگری مورد اعتماد کارگران هست؟

علی نجاتی: ما الان بطور مطلق نمی توانیم بگیم، کارگران ما را به عنوان نماینده خودشان قبول دارند. ولی در سطح کلی و کلانش که صحبت کنیم. حدود ۶۰ درصد یا ۷۰ درصد حالا یک مقدار کمتر و یا بیشتر. کارگران بر اساس صحبت هایی که شده طبق عملکردهای ما و عکس العمل هایی که به عنوان جواب از طرف کارگران گرفتیم. استقبالی که در فراخوان اعتصابات از طرف کارگران شد و همچنین در نشست های مشترکی که با هم

داشتیم، همه بعنوان یک مدرک بسیار قوی به جهت حمایت نسبی کارگران از ماست. به عنوان مثال صحبتی که در رابطه با سندیکا از طرف ما با کارگران شد، ما در یک روز با اینکه مشکلات زیادی داشتیم، حدود ۴۰۰ - ۵۰۰ عدد امضاء همراه با شماره پرسنلی کارگران را گرفتیم و این از این نظر و با این مدرک، ما می توانیم بگوییم که حداقل نماینده بیش از ۶۰ درصد یا ۷۰ درصد کارگران هستیم که اکثریت نسبی کارگران است. و ما از این بابت جداً خوشحال هستیم. حالا ممکن است تعدادی هم ما را قبول نداشته باشند. چون همیشه در بین افراد مخالفت هایی هست. طبیعی! ببینید ما الان ۵ - ۴ هزار کارگریم. بعضی ها هستند که واقعا در این مسائل منافی دارند یا اینکه مشکلات خاص خودشان را دارند. نمی توانند مثلاً "مستقیماً" با ما همراه باشند و یا در کنار ما باشند. حالا هرکس به یک نوعی مشکل خودش را دارد. این را به یقین میگویم که صحبت سر خودستایی نیست و از خود تعریف کردن نیست چون ما تو این مسئله هیچگونه سود شخصی نداریم که بگیم به خاطر منافع

شخصی که داریم، در این راستا حرکت می کنیم. دلیلش هم بسیار واضح البته گفتن این صحبتها جدا لازم نیست ولی خوب انسان باید صحبتها را بگوید. ما مثلاً دادگاهی شدیم- زندانی شدیم- بازداشت شدیم- بارها به اطلاعات رفتیم- بارها تحقیر شدیم البته تحقیر از نوع حکومتیست نه تحقیر از نوع سیستم کارگریست یا وضعیت کارگری که خودمان در اون داریم زندگی می کنیم و یا جامعه ای که در اون زندگی می کنیم.

با این حال چون حق و حقوق قانونی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه است. من بر اساس مدارکی که شاهد هستید، امضاهایی که گرفتیم از کارگرها طبق اینها دارم صحبت می کنم. کارگران از ما حمایت کردند و ما را به عنوان نماینده خودشان قبول دارند. اکثریت کارگرها حالا اون تعداد اقلیت رو من میگویم مشکلات خاص خودشان را دارند. اون مسئله اش جداست من به این دلیل میگویم کارگرها مارو به عنوان نماینده خودشان تا به الان قبول دارند و امیدوارم به عنوان نماینده واقعا رسمی کارگران و به عنوان کارگر نیشکر هفت تپه، به عنوان

یک فعال کارگری در راستای اهداف کارگری موفق باشیم و حقوق از دست رفته کارگران را در کوتاه مدت به همراه دوستانی که اسامی آنان را ذکر کردم و با پشتوانه کارگری، باز پس بگیریم.

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون- آقای نجاتی چیزی که برای ما خیلی مشخص و جالب بود به هر حال هر حرکت کارگری یک نوع تجربه و یک نوع پختگی با خودش همراه دارد و طبیعتاً باید در سطح جنبش این نوع مسائل مطرح شود که اگر کارگرانی در دیگر مراکز کارگری خواستند، تشکلهای خودشان را ایجاد کنند از این تجارب حتماً استفاده کنند.

چیزی که برای من جالب بود به هر حال حتی در میان دوستانی که در خوزستان زندگی کردند، اینه که می‌دونند واقعا هوای خوزستان گرمای عجیب و غریبی داره که برای هر کسی قابل تحمل نیست. این که شما ۴۰۰۰ نفر یا ۵۰۰۰ نفر کارگر را در یک جایی جمع کنید و نه محل و ساختمانی اینجا دارید و نه کسی این اجازه رو میده و حتی گفتم با توجه به شرایط بدآب و هوا جمع شدن در یک جایی براتون امکان پذیر نیست در این

رابطه جمع کردن امضاء با شماره کارت و اثر انگشت از کارگران برای ما جالب بود، چون شما می‌خواهید نماینده‌های واقعی از طرف خود کارگرا تعیین بشوند به این روش دست زدید ممنون خواهم شد در این رابطه توضیح دهید.

علی نجاتی: توضیح دادم. گفتیم که ما با این که این همه مشکلات داشتیم هم از نظر مکانی که کارگران رو جمع بکنیم و هم از نظر آب و هوایی ما طی این مدت یک سالی که بین این اعتصابات و اعتراضات کارگری ما بود ارتباطاتی که با کارگران داشتیم از نظر اخلاقی و رفتاری برخوردهای کارگران را می‌دیدیم و از تجربیات آنها استفاده می‌کردیم در راستای تحقق یافتن اهداف کارگری ما- ما تجربیاتمان را از دوستان کارگرم کسب کردیم و امروز به این نتیجه رسیدیم که واقعا اگر در بین فعالین کارگری یا اتحادیه کارگری یا اصلاً کلا در بین سطح کلی کارگری صداقت باشد به نظر من انسان به راحتی می‌تواند به آن اهدافی که واقعا انسانی ست می‌رسد- به نظر من صداقتی که کارگران و فعالین کارگری نیشکر هفت تپه در راستای اهداف کارگری خودشان

و در رابطه با انتقال صحبت‌هایی که با دوستان داشتند بود که به این نتیجه رسیدیم و امروز تجربه ای شده که واقعا بسیار گرانبهاست و ما امروز به قول دوستان الگویی شدیم برای بقیه فعالین کارگری و اتحادیه کارگری. من جداً راضی نیستیم که به ما بگن الگو چون ما خیلی کوچکت از آن هستیم. ما یک کارگر هستیم ولی کارگری شریف و زحمتکش که هیچ زمانی در مقابل استبداد و استثمار و استعمار به هیچ عنوان سرش را خم نکرده. سرکوب شده، تنبیه شده و به اقسام مختلف حق و حقوقش ضایع شده ولی هیچ زمانی از حق خودش کوتاه نیامده است. ما به این نتیجه رسیدیم که در مقابل ظلم و ستم باید کارگر مبارزه بکند و به حق خودش برسد.

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون- واقعا این بحث‌هایی که شما اشاره کردید خودستایی نبود که به هر حال هر کسی که مسائل کارگری را تعقیب می‌کند بخصوص حرکت‌های اخیر نیشکر هفت تپه عملکرد این حرکت را دیده و تأثیر گذاری حرکتی که شما به عنوان بخشی از خود کارگر نیشکر هفت تپه در این یکسال و اندی که

شما این تلاشهای شبانه روزی را انجام دادید قابل ستایش است و طبیعتاً این برمی‌گردد به همون صداقت و همون به اصطلاح آگاهی و همون نیاز طبقاتی خود کارگران که اینچنین فعالیتی رو از دل مبارزات خودشون حتماً بوجود خواهند آورد و تا حد زیادی در بین کارگران نیشکر هفت تپه بوجود آورده. و اون چیزی که شما به درستی اشاره کردید یک فعال کارگری یک پیشروی کارگری صداقت و متانتش را از طبقه اش میگیره ما خوشبختانه در جنبش کارگری کمتر شاهد بودیم که فعالین کارگری آدمهایی باشن که بخواهند به طبقه خودشان خیانت کنند. من جمله شما دوستان که با اون صداقت خودتون دارین کارها رو انجام میدین- منجمله آقای محمود صالحی با اون وضعیت جسمانی خودش در اون شرایط سختی که در زندان بود از مطالبات و حقوق کارگران به عنوان یک کارگر دفاع کرده است. من به سؤال دیگر در این رابطه خدمتتون دارم که اون بیوندی که شما عنوان کردید با خود کارگرا که ما هم شاهدش بودیم وجود دارد. حال رابطه بین نماینده‌های کارگری و یا اون قسمت

از فعالین کارگری که در این راستا که خودتان دارید حرکت‌های نیشکر هفت تپه رو سازماندهی می کنید چگونه است؟ ارتباط خودتون یعنی نماینده ها با همدیگر چطوری و چطوری با هم هماهنگ می شدید و این هماهنگی از نظر خودتون تا به امروز راضی کننده بوده است؟ یا آگه مشکلی هست چطوری میشه این مشکل را رفع و رجوع کرد؟

علی نجاتی: ما خوشبختانه الان با اینکه مدت زیادی نیست که با هم در ارتباط با همین تشکل سندیکای مان و فعالیتی که در راستای مسائل کارگری داریم بین دوستان و فعالین کارگری در یک چهار چوب داریم کار می کنیم ولی خوشبختانه ارتباطمان بسیار خوبه با این که از نظر موقعیتی مشکلات خاص خودمان را داریم ولی ارتباطاتمان خیلی خوبه و دلایل همینه که گفتم چون که ما اعتماد داریم به کاری که داریم انجام میدیم و در راستای اهدافمان داریم کار خطیری انجام میدیم این باعث شده ما بیشتر با هم ارتباط داشته باشیم و تشکل ما تشکل بسیار مستحکمی هست با اینکه مدت زمان بسیار کوتاهی هست که حدود یک سال شاید هم کمتر

باشد که ما این را داریم ولی خوشبختانه به این نتیجه رسیدیم که ارتباط ما ر بسیار منسجم و قابل تقدیره از این نظر که خیلی صحبتها بین ما در رابطه با مسائل کاری رد و بدل میشود. اما همانطور که گفتم، از نظر مشکلات امنیتی و هم مشکلات خاص خودمان در رابطه با زندگی خصوصی که داریم ولی با این حال که این همه مشکلات داریم، خوشبختانه ارتباطاتمان خوب و راضی کننده است.

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون- با توجه به سیاست گذاری حکومت در ایران همانطور که اطلاع داری یک سری از واحدهای تولیدی منجمله خود نیشکر هفت تپه به اون سمت و سو میره که تعدیل نیرو کند و یا این واحدها را به تعطیلی بکشاند. می خواهم نظر شما و کارگران نیشکر هفت تپه را در این رابطه بپرسم و تقاضای شما از دیگر واحدهایی که مثل شما هستند و می خواهند به شکلهای مختلفی این کارخانه ها به تعطیلی کشونده بشه چیه؟ در این رابطه چه تقاضایی از دیگر واحدهای کارگری و مشخصاً از کلیه کارگرهای ایران داری؟

علی نجاتی: همانطور که ما تو صحبت‌های قبلیمون گفتیم، این تعدیل نیرو به برنامه بسیار مشخص و تعیین شده از قبل است. برای ما بسیار واضحه که این مشکل نیشکر هفت تپه مربوط می شود به مافیای شکر که کسانی هستند که در دولت دست در این مسئله دارن و این مافیای شکر باعث شده که کار نیشکر هفت تپه امروز به صورتی دربیاد که یک شرکتی که تا چند سال اخیر بیش از ۱۰۰ هزار تن شکر تولید میکرد و ۷۰ شرکت جانبی یعنی طراحی امیرکبیر که بودجه راه اندازی آنها از نیشکر هفت تپه بود، امروز متأسفانه با سیاستهای غلطی که دولت در پیش گرفته در رابطه با صادرات و واردات شکر، نیشکر هفت تپه امروز می تونم به جرات بگویم که بصورت یک شرکت ورشکسته درآمده و الان طوری هست که بخاطر وضعیت مالی که دارد، نیروها را تعدیل می کند با این که نیاز به نیرو دارد. الان نیشکر هفت تپه به شرکت ورشکسته ای تبدیل شده که به صورتی که ۵ ماه حقوق کارگانش را پرداخت نکرده. اما به عنوان یک کارگر برای سایر دوستان در قسمتهای مختلف

نیشکر این پیام را دارم: نیشکر کارون و یا نیشکر میان آب و یا نیشکر امیرکبیر و یا همون طرحهای جانبی در آبادان و خرمشهر، اینها خواه ناخواه در مدت زمان بسیار کوتاهی با این مشکلات و معضلات که نیشکر هفت تپه دارد، مواجه می شوند من به عنوان یک کارگر استعفا دارم از کارگران نیشکر در سطح ملی و کلاً کارگرانی که در سطح ایران هستند استعفا دارم که به هر طریق ممکن حمایت‌های خودشان را از کارگران نیشکر هفت تپه - همینطور که تا امروز نهم تیرماه هست، ما رو خیلی مورد لطف و محبت خودشون قرار دادند و جداً ما رو شرمند کردند دوستان و فعالین کارگری، اتحادیه کارگری، سندیکاها و شرکتهای مختلف حالا گذشته از شرکتهای نیشکر، شرکتهایی مثل شرکت واحد یا کیان تایلر، یا شرکتهایی که الان حقیقتاً حضور ذهن ندارم شرمند ام که اسامی آنها را الان نمی توانم بگویم. همینطور که تا الان از ما حمایت کردند امیدوارم که از حمایت‌های خودشان در رابطه با مسائل کلی کارگران از کارگران نیشکر هفت تپه ادامه بدهند به امید روزی که به این نتیجه برسیم

کارگر یک اتحادیه کارگری مستقل داشته باشد و بتواند که حرف خودش را بزند . چون الان اقتصاد دنیا به دست کارگر میچرخد طبیعتاً اقتصاد مملکت ما که جدا از طرف مسئولین هیچ ارزشی به اوست و هیچ بهایی به اوست نمی‌دن اقتصاد وابسته ای شدیم و کارگران به روزی درآمدند الان بیکار شدند و شرکتها ورشکسته شدن- امیدوارم که اتحاد کارگرا هر روز از روز دیگری مستحکم تر باشد و در راستای اهدافمان بتوانیم استوار و مقاوم و منسجم حرکت کنیم تا به خواسته‌های قانونی خودمان برسیم- امیدوارم .

بهزاد سهرابی: خلی ممنون- آقای نجاتی همانطور که اطلاع داری اولین اعتراضات کارگری بخاطر مسائل رفاهی و اقتصادی و امنیت شغلیه که این حرکتها در مراکز کارگری انجام میگردد . مخصوصاً اگر کارگر ۵ ماه حقوق خودش را نگیرد اون هم با توجه به تورمی که در ایران وجود داره . من این چند روزی که خدمت شما بودم و از کارگران نیشکر هفت تپه چیزهایی که شنیدم (دیگه به عنوان شنیده نیست یه چیز واقعی و عینی)

. نان قرضی رو ما هیچ جا ندیدم که امروزه کارگر اینقدر توانایی مالی ندارد که میره سر کوچه نانی که شاید یه چیز بی ارزشی از نظر ریالی باشد باید اسمش رو تو دفتر نا نوائی بنویسه و نون قرضی بگیره، تا به این امید که شاید ۵ ماه دیگر حقوقش را گرفت بتواند مبلغش را پرداخت کند . من چیزهای دیگری هم شنیدم که کارگرهای نیشکر هفت تپه واسه این که زندگی عادی خودشون رو بتونند ادامه دهند - عادی منظورم این زندگی فلاکت زده و معمولی که واقعاً واسه ما تعریف کردند - مجبورند که وسایل خانه را بفروشند آیا این اصلاً صحت داره و یا من فقط اینها رو شنیدم- اگر هست به عنوان نمونه یه چیزهایی رو اشاره کنی خلی ممنون میشم .

علی نجاتی: بله ، بله . من تشکر می‌کنم از شما که یادآوری کردید در رابطه با این مسئله صحبت بکنیم که واقعاً یه مسئله اساسی امروز شده که مسئله اساسی کارگران نیشکر هفت تپه است . ما کارگران البته نه فقط کارگران نیشکر هفت تپه کلاً کارگران ایران زمانی که با این وضع تورمی که حاکم بر جامعه است که

به عینه همه مردم عادی دارن می‌بینند ولی متأسفانه مسئولین حکومتی نمی‌بینند دلیلش هم بسیار واضح است که نمی‌بینند این یه چیز طبیعی . من یه مثال خودمونی بگم میگه " نه سوار از پیاده خیر داره نه سیر از گرسنه " این یه امر بسیار طبیعی . اون آقایی که نشسته رو گنج ، پول نفت، نمی‌دانم پول گاز، سرمایه ملی را داره چپاول میکنه و بهترین زندگی را اداره میکنه خوب به هیچ عنوان اون مشکل نداره خیلی طبیعی بنده به عنوان یک کارگر هیچ زمانی انتظار ندارم اون آقایی که بچه اش در دبی داره خانه سازی میکنه و یا در اروپا داره عیاشی خودش را میکنه من به عنوان یک کارگر به این نتیجه رسیدم که هیچ زمانی اون آقا درد منو نمی‌فهمه این یه امر بسیار طبیعی و مشخصه . اصلاً لازم نیست که انسان اینو بگه ولی گفتنش لازمه ، باز میگم لازم نیست به این دلیل که یه چیز مشخص ولی برای اینکه مسئولین واقعاً اگر می‌فهمیدند تا الان اقدامی میکردند نمی‌فهمند این را باید بگم که واقعاً اگر مسئولی درد جامعه اش را ، درد مردمش را بفهمد خوب مشخصه می

آید با مردمش هم درد می‌شود ما متأسفانه واقعیتهای تلخی داریم تو جامعه مان که گفتنش جدا شاید باعث مشکل شود ولی گفتنش لازمه . در شعار مسئولین با مردم هستند با طبقه ضعیف و مستضعف . اصلاً ما هیچ زمانی ندیدیم که مسئولی در کنار یک مستضعفی بنشیند و یا اصلاً هم صحبت و همدم بشه با اون مستضعف چون اصلاً فاصله طبقاتی طوریه که خود به خود از مردم جدا میشه . سرمایه دار و یا مسئولی که داره اموال همین مردم مستضعف و یا مردمی که واقعاً چپاول شدند از همه طریق هم از نظر فرهنگی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر مالی- کلاً از نظر اخلاقی- کاری کردند به مردم که جدا مردم را به فلاکت نشاندند. صحبتهایی هست که من حقیقتاً لازم نمی‌بینم اونها را بگم چون جدا شرم می‌کنم این صحبتها را می‌گویم در سطح مملکت ما چه فاجعه هایی هست چه بدبختیهایی هست چون مردم کاملاً آشنایی دارند با این مسائل که تو جامعه ما داره اتفاق میافته . کارگر نیشکر هفت تپه خوب طبیعتاً از این مسئله مستثنی نیست کارگر نیشکر هفت تپه مثل بقیه کارگران دیگر مملکت مان که ۳ ماه

۴ ماه ۶ ماه ۱۰ ماه ۱۲ ماه حتی ۲۴ ماه حقوق نگرفته اند. کارگر نیشکر هفت تپه هم الان درد همون رو داره. کارگری که دستمزدهاش را دریافت میکرد به علت جدا نالایق بودن مسئولین مملکتی، در راستای تأمین مسائل اقتصادی مردم واقعاً نمی توانند چون کار آنها نیست و در راستای اهداف آنها بطور کلی نیست که این مشکلات اقتصادی مردم را رفع بکنند. کارگران نیشکر هفت تپه هم با این مشکل الان مواجه شدند اون زمانی که مرتب حقوق می گرفتند به علت تورم واقعاً مشکل داشتند الان کارگری که چهار ماه حقوق نگرفته خوب طبیعی باید فرش خودش را بفروشد. من اینو که دارم میگم اینو عینی دیدم. این داستان نیست. شاید بعضی به عنوان داستان اینو تلقی بکنند ولی جدا این حقیقت تلخیه که امروز بر جامعه ملی ما، مردمی ما و بخصوص جامعه و طبقه واقعاً محروم کارگری ما امروز حاکم شده و به حقیقت تلخیه که من متأسفانه برای مسئولینی که دم از مستضعف و نمی دانم طبقه ضعیف می زنند و خودشان را دارند گول می زنند نه اینکه مردم را دارند گول می زنند این رو

من دارم میگم این صحبتام رو انتقال بدین حالا هر چی هم که بخواد، بشه. من از این نظر دارم میگم که کارگران نیشکر هفت تپه چون یک مسئله ای هست که خودم تو اون دارم زندگی میکنم و خودم دارم می بینم وقتی می گم کارگران نیشکر هفت تپه یعنی کارگر در سطح جهانی دارم میگم چون واقعاً کارگر بوده تا بوده همیشه تحت ظلم و ستم و استثمار بوده، همیشه پله ای بوده برای دیگران برای سرمایه داری برای گردن کلفت ها، برای گردن کش ها، همیشه یک سکوی پرتابی بوده برای استثمار کردن در کل حالا نمی خواهم بیشترش کنم. همیشه کارگر مورد ظلم و ستم قرار گرفته. در سطح بین المللی بخصوص کارگر ایران الان در حال حاضر با این وضعیتی که پیش اومده. وضعیت اقتصادی که بسیار واقعاً وضعیت فلاکت باریه و جدا کارگر میگم واقعاً وسایل زندگیش را داره می فروشه و خیلی چیزهای دیگر که جدا جای گفتن اینها نیست من خجالت می کشم به عنوان یک کارگر این حرفها را بزنم. امیدوارم کارگران به این نتیجه برسه.

اتحادیه جنبش های کارگری به این نتیجه برسند که "کسی نخارد پشت من، جز ناخن انگشت من" ما زمانی می توانیم به استقلال برسیم زمانی می توانیم بگیریم آقا من کارگرم حق زندگی کردن دارم حق رفاه اجتماعی دارم، حق دارم آقا در ماه و یا در سال حداقل یه دفعه دست بچه ام را بگیرم و به عنوان تفریح یک روزی بچه ام را از این شهر به اون شهر ببرم نمی خواهم در سطح مثلاً بین المللی ببرم به اروپا یا جای دیگر. حداقل به عنوان یک تنوعی به عنوان یک روحیه دادن به بچه که واقعاً از ما بدتر تحت ظلم قرار گرفتند. لافاقل به اون نتیجه برسیم به اون اهدافی که واقعاً حق قانونی و حداقل حقوق یک کارگر هست. من از طرف کارگران تمام جنبش های کارگری در سطح ایران میگم چون ما بایستی کارگران ایران، با هم متحد شویم چون باید حرکت از یه جایی شروع بشود اون جا هم ایران است حالا هفت تپه باشد یا کرمانشاه، رشت، تهران، سنندج، شیراز یا هر جای ایران که باشد هیچ فرقی نمی کند از شمال، جنوب، شرق یا غرب. مرکز و اینور اونور نداره کارگر باید با هم متحد

باشد. از یه جایی شروع کند و آن چیزی که تا الان من دیدم و ارتباط داشتم و با دوستان هم کلام شدم خوبه به یه نتیجه خوب و ایده آلی در آینده منظورم یعنی در آینده بسیار نزدیک میرسیم و در آینده دور در سطح کلان اتحادیه کامل و مستقلی باید کارگر از خودش داشته باشد. من تشکر میکنم از شما.

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون. متأسفانه وضعیت زندگی انسانها بخصوص طبقه کارگر و کسانی که واقعاً روزانه دارند کار می کنه اونقدر اسفناکه که متأسفانه نجاتی هم ننوست اینو توضیح بده چون احساس میکنه که بازگو کردن این مسئله دوباره آدمو وادار میکنه که به یه حالت تحقیر شده برسد. فقط من اینو می خوام توضیح بدم که این حقارت ما نیست این حقارت برمی گرده به کسانی که ما رو استثمار می کنند و جامعه بشریت رو به حالتی می کشند که حتی نتونیم بازگو کننده وضعیت کاملاً اسفناکی که در آن قرار گرفتیم باشیم. واقعاً کار به جایی رسیده که کارگر نه تنها کارگر نیشکر هفت تپه در کل کارگران در ایران و اگر شما نگاه کنید در سطح وسیع جامعه و طبق آمار های

رسمی خود دولت ایران ۸۵٪ مردم ایران دارن با فقر دست و پنجه نرم می کنند. واقعاً باید کسای دیگری خجالت بکشند که چرا کارگر امروز باید بره قالی و لباس خودشو بفروشه. پتویی که روی سرش میکشه تا از سرما و گرمادر امان باشه امروز ناچاره اونو بفروشه. کارگری که بعد از ۱۰ و ۱۲ سال به جارو برقی خریده که تو خونه از اون استفاده کنه! بله کارگر نیشکر هفت تپه چون ۵ ماه ۴ ماه حقوقش را نگرفته میره تو بازار و جارو برقی شو می فروشه به این نیت که بتونه با این مقدار پول که از فروش این جارو برقی بدست میاره زندگی خودش رو تأمین کنه. به نظر من این خجالت و تحقیر مربوط به صاحبان سرمایه است. برمیگرده به سیستم سرمایه داری که امیدوارم که همونطور که خودت گفتی غیر از طبقه کارگر کسی نمی تواند درد مردم مارو بفهمه و طبیعتاً با اتحاد با تشکل و با هماهنگی سراسری کارگران توی ایران بتونیم به تشکل مناسب که خود ما کارگران اینو ایجاد کنیم تا در راستای تحقق خواستههای طبقاتی خودمان قدم برداریم و شاهد این باشیم که با همت خود

طبقه کارگر به استثمار و فقر با نیروی خود کارگران خاتمه دهیم. من خیلی شما رو خسته کردم چون هوا هم خیلی گرمه. من سنوال خاصی ندارم و تشکر می کنم ازتون که در این مصاحبه شرکت کردی و من خواستار این هستم که کارگران نیشکر هفت تپه که شما به عنوان یکی از نمایندگان این تشکل هستید و واقعاً شایسته این نمایندگی هستید که هر چه بیشتر این سعی بشه که بین کلیه تشکل های کارگری یا فعالین کارگری به هماهنگی بیشتری ایجاد بشه که بتونیم بیشتر با همدیگر در ارتباط باشیم و این ارتباط می تونه سرآغاز یک حرکت خیلی وسیع تو ایران در راستای منافع کارگری و مطالبات کارگری و طبیعتاً تا ما نتونیم با همدیگر تبادل نظر کنیم، نخواهیم توانست از تجارب همدیگه استفاده کنیم و این تبادل نظر و تجارب می تونه ضعفهای مارو خیلی کم رنگ بکنه و نقطه قوتهای مارو بیشتر کنه- من امیدوارم که در کارتون که تا به امروز موفق بودی باز هم موفق تر باشی و جنبش کارگری طبیعتاً نیازمند حضور شایسته شما دوستان هست که تا به امروز کارهای شایسته ای را در راستای

منافع خود کارگران نیشکر هفت تپه که این منافع برمیگرده به منافع کلی طبقه کارگر ایران که انجام دادی همینطور به اصطلاح پیگیرانه ادامه بدی و من خیلی خوشحال شدم که این اجازه رو به من دادی که از طرف نشریه جنبش کارگری که نشریه " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" است با شما مصاحبه ای داشته باشم. آگه در پایان بحث هاتون بحث خاصی مونده- بفرمائید اگر نه تا دیداری بعد از خدمت شما مرخص خواهم شد. **علی نجاتی:** بحث خاصی ندارم من جداً به عنوان یک کارگر از شما دوست عزیز کارگر و هم سطح، بسیار تشکر می کنم و اینکه من را شایسته قرار دادی، شرمنده ام. شایسته محمود صالحی است که توانست بیش از یک سال در زندان باشد با این که مشکلات بسیار فراوانی داشت از نظر جسمی بارها اعتصاب غذا کرد. آقای صالحی با این که پشت میله های زندان بود بسیار پیام های ارزنده و قابل تقدیری از خودش به مردم و طبقه کارگرداد شایسته افرادی مثل محمود صالحی هستند و بنده به عنوان یک کارگر به عنوان یک زحمتکش به عنوان یک کسی که واقعا حق

حقوقش ضایع شده در یک جامعه کارگری و به قول خودمان استثمار شده ولی تحقیر نشده هیچ زمانی تحقیر نشده افتخار میکنم که به عنوان یک کارگر از تمام اتحادیه ها و جنبش ها از همین نشریه جنبش کارگری تشکر و قدردانی می نمایم.

افشین شمس قهفرمی، فعال کارگری، عضو کمیته دفاع از محمود صالحی، عضو کانون کاریکاتوربست های اصفهان و عضو فعال کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، به خاطر دفاع از حقوق و مطالبات کارگری هنوز در بازداشت است.

ما فوهان آزادی بی قید و شرط و فوری افشین شمس هستیم.

تشکل مستقل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم

دنیای رویای من

من در در رویای خود دنیایی را می بینم که در آن هیچ انسانی انسان دیگر را فوار نمی شمارد

زمین از عشق و دوستی سرشار است
و صلح و آرامش، گذرگاه هایش را می آراید.

من در رویای خود دنیایی را می بینم که در آن
همگان راه گرا می آزادی را می شناسند
مسر جان را نمی گذر
و طمع روزگار را بر ما سیاه نمی کند.

من در رویای خود دنیایی را می بینم که در آن
سیاه یا سفید
-از هر نژادی که هستی -

از نعمت های گسترده زمین سوهم می برد .
هر انسانی آزاد است

شور بقتی از شرم سر به زیر می افکند
و شادی همچون مرواریدی گران قیمت
نیاز های تمامی بشریت را بر می آورد.

چنین است دنیای رویای من !

لنگستون هیوز

لباس شخصی ها وحشیانه به صفوف
کارگران حمله کرده و آنان را آماج
ضربات باطوم و مشت و لگد خود قرار
دادند. آنان چهار نفر از کارگران را به
اسامی ایرج عابدینی، نجات دهلی، عباس
خمیسی نیا و حبیب ناصر را دستگیر و به
اداره ی آگاهی تحویل دادند. به علت
شکنجی ی این کارگران وضعیت جسمی
شان وخیم گزارش شده است.

۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۷

تجمع کارگران از ساعت ۹ صبح در مقابل
فرمانداری صورت گرفت. حضور
نیروهای لباس شخصی در بین کارگران
قابل توجه بود. آن ها ضمن فیلم بردای از
کارگران اقدام به ضرب و شتم آنان
نمودند، کارگران نیز متقابلاً با این نیروها
درگیر شدند. یکی از لباس شخصی ها که
در حال فیلم برداری از کارگران بود به
شدت زخمی شد. کارگران شعار می دادند:
مدیر بی لیاقت استعفا- استعفا، مدیر بی
کفایت نمی خواهیم.

۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۷

کارگران از ساعت ۸ صبح در مقابل
فرمانداری تجمع نمودند. در تجمع امروز
بیش از ۲۰۰۰ هزار نفر از کارگران

روز شمار اعتصاب، تجمع و تظاهرات اخیر " کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه"

۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۷

بیش از ۳ هزار نفر از کارگران هفت تپه،
در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد
معوقه ی ۲ ماهه ی خود اقدام به اعتصاب
کردند. کارگران با تجمع در مقابل دفتر
مدیریت خواهان پرداخت دستمزدهای
معوقه، پایان بخشیدن به پرونده سازی بر
علیه فعالین کارگری، برکناری مدیر عامل
شرکت و اعضای هیئت مدیره ی شرکت،
برکناری رئیس حراست(منوچهر زیودار)
شدند.

۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

اعتصاب کارگران هفت تپه، وارد ششمین
روز خود شد. تمامی شیفت های کارگران
به اعتصاب پیوستند و تعداد کارگران
اعتصابی به ۵۰۰۰ نفر رسید. کارگران با
تجمع در مقابل فرمانداری شوش خواهان
رسیدگی فرماندار و مسئولین به خواسته
های خود شدند. در تجمع امروز نیروی
انتظامی به سرکردگی سرگرد خسروپور و

شرکت داشتند. مردم شهر شوش در حال پیوستن به کارگران هستند. شعار کارگران در این روز: کارگر هفت تپه ایم- گرسنه ایم- گرسنه/ مرگ بر شفیعی/ مرگ بر زیودار. فرماندار در میان کارگران حاضر شد و با وعده ی رسیدگی به خواسته ها، از کارگران خواست به سر کار خود برگردند، اما کارگران گفتند: ما وعده ی تو خالی نمی خواهیم.

۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷

اعتصاب کارگران وارد دهمین روز خود شد. تجمع امروز نیز با ۲۵۰۰ نفر از کارگران ادامه پیدا کرد. کارگران از این که به خواسته های شان رسیدگی نمی شود، خشمگین هستند. نیروهای گارد ویژه و لباس شخصی ها کارگران را به محاصره ی خود در آورده اند.

۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۷

کارگران در حالی که با خانواده های خود از فرمانداری شوش به سمت بازار شهر در حال راهپیمایی بودند، از سوی نیروی انتظامی به وسیله ی باطوم و مشت و لگد، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بر اثر این حمله ی وحشیانه ی تعدادی زخمی شدند. این حمله توسط فرماندهانی از جمله:

سرهنگ داریوش مولائی، سرگرد خسروپور هدایت می شد. سرگرد کرم خسرو پور شخصاً در ضرب و شتم کارگران شرکت داشت. کارگران شعار می دادند: نیروی انتظامی- خجالت، خجالت/ حقوق ماهیانه حق مسلم ماست/ معیشت و زندگی حق مسلم ماست/ شفیعی حیا کن، هفت تپه را رها کن/ مرگ بر شفیعی و مرگ بر زیودار.

۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۷

کارگران امروز به همراه خانواده های خود در حالی که در سطح شهر راهپیمایی می کردند، به وسیله ی تیراندازی هوایی و گاز اشک آور مورد حمله ی گارد ویژه ی نیروی انتظامی و نیروهای وزارت اطلاعات قرار گرفتند. در این حمله تعدادی از کارگران زخمی شدند. شعارهای امروز کارگران: کارگر می میرد- ذلت نمی پذیرد/ مدعی عدالت خجالت، خجالت/ سندیکای کارگری حق مسلم ماست/ کارگر زندانی آزاد باید گردد/ ساعدی حیا کن، هفت تپه را رها کن/ کارگران ایران، حمایت حمایت.

لازم به ذکر است، بازاریان و جوانان شهر شوش به طور گسترده ای از کارگران حمایت می کنند.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۷

اعتصاب کارگران هفت تپه وارد چهاردهمین روز خود شد.

بیش از ۴ هزار نفر از کارگران امروز نیز به تجمع و راهپیمایی در سطح شهر شوش ادامه دادند. آنان مسیر شوش- دزفول را مسدود کردند و از فرماندار که در میان کارگران حاضر شده بود، با شعارهای فرماندار، مرگت باد، ننگت باد و دروغگو، دروغگو استقبال کردند. امروز جوانان شهر شوش به صورت گسترده ای در اعتراض کارگران حضور داشتند. در این روز برای اولین بار اطلاعیه ای با امضای "فعالین کارگری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه" که حاوی گزارشات مبارزات کارگران هفت تپه بود، از طریق "شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری" منتشر شد.

۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷

تجمع و راهپیمایی در شهر شوش با حضور هزاران کارگران ادامه پیدا کرد. آنان اقدام به بستن مسیر جاده ی شوش-

اندیمشک نمودند. شعارهای امروز کارگران عبارت بود از: منادی عدالت، خجالت، خجالت/ مرگ بر شفیعی/ زندگی و معیشت حق مسلم ماست/ حقوق ماهیانه، حق مسلم ماست/ مدیر بی لیاقت، استعفا، استعفا.

۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

کارگران از ساعت ۸ صبح به تجمع خود در مقابل فرمانداری شهر شوش ادامه دادند. آنان در ادامه از فرمانداری به سمت چهار راه شوش اقدام به راهپیمایی کردند. در طول مسیر راهپیمایی تعداد زیادی از مردم و جوانان به صفوف کارگران پیوستند. کارگران جاده ی دزفول- اندیمشک را مسدود کردند. نیروی انتظامی و گارد ویژه و نیروهای لباس شخصی تجمع کارگران را به محاصره ی خود در آوردند. امروز فعالین کارگری که چندی پیش بازداشت و به قید وثیقه آزاد شده بودند، در دادگاه انقلاب اسلامی دزفول مورد محاکمه قرار گرفتند، اسامی این فعالان عبارت است از: فریدون نیکوفرد، علی نجاتی، جلیل احمدی، محمد حیدری مهر و رمضان علیپور.

۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اقدام به اعلام بازگشایی سندیکا با عنوان "هیئت بازگشایی سندیکا کارگران هفت تپه" نمودند.

۱ خرداد ۱۳۸۷

به واسطه ی اعتصاب و تظاهرات کارگران، حکومت نظامی اعلام نشده ای در شهر سطح شوش برقرار است. نیروهای انتظامی و اطلاعاتی به صورت گسترده ای در شهر شوش حضور دارند. آنان با هرگونه تجمعی از سوی کارگران برخورد کرده و اقدام به دستگیری کارگران می کنند. گفتنی است ۱۸ نفر از کارگران توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده اند.

۵ خرداد ۱۳۸۷

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، وارد بیست و یکمین روز خود شد. کارگران با سر دادن شعارهایی در محوطه ی شرکت تجمع نمودند. لازم به ذکر است طی دستگیری های گسترده ۲۶ نفر از کارگران دستگیر شده اند. در بین دستگیر شدگان نام نجات دهلی، یکی از فعالین کارگری هفت تپه به چشم می خورد. گفته می شود نیروی انتظامی وی را به دستور

خسروپور به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده است.

۶ خرداد ۱۳۸۷

کارگران خشمگین، با تجمع در مقابل فرمانداری شهر شوش، به اعتصاب و اعتراض خود ادامه دادند. نیروهای گارد ویژه امروز نیز به صفوف کارگران یورش برده و ۱۲ نفر از آنان را دستگیر کردند. یعقوب شفیعی، مدیر عامل شرکت از طریق تلفن همراه به کارگران قول داد، تا روز ۵ شنبه ۹ خرداد به مشکلات شان رسیدگی خواهد شد.

۸ خرداد ۱۳۸۷

یکی از کارگران اعتصابی به نام داریوش روزه داری که قبلاً اسیر جنگی بوده و معلول نیز می باشد، توسط مأمورین اطلاعات ربوده شد. آنان در طول بازداشت، وی را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده اند.

۹ خرداد ۱۳۸۷

بعد از بیست و پنج روز اعتصاب کارگران هفت تپه، هم چنان ادامه دارد. تجمع امروز کارگران در محوطه ی شرکت صورت گرفت.

۱۲ خرداد ۱۳۸۷

تجمع هزاران کارگر اعتصابی شرکت نیشکر هفت تپه، در محوطه ی شرکت ادامه پیدا کرد. یعقوب شفیعی و فرماندار از طریق تلفن همراه که به بلندگوهای شرکت وصل شده بود، از کارگران خواستند نمایندگان خود را برای مذاکره با نمایندگان استانداری به فرمانداری شوش معرفی کنند، اما کارگران اعلام کردند: نمایندگان خود را معرفی نخواهند کرد، فرماندار و دیگر مسئولین اگر خواهان مذاکره هستند، باید به شرکت بیایند و با همه ی کارگران مذاکره انجام گیرد.

۲۷ خرداد ۱۳۸۷

بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران به همراه خانواده های شان، در ساعت ۹ صبح از درب ورودی شرکت به سمت خیابان ها و بازارچه ی هفت تپه شروع به راه پیمایی کردند. این راه پیمایی در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه در مقابل پاسگاه نیروی انتظامی هفت تپه به پایان رسید. شعار های امروز کارگران عبارت بود از: برادر نظامی، حمایت حمایت/ کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه/ معیشت و زندگی حق مسلم ماست/ این بچه ی گرسنه، وعده سرش نمیشه.

ضمناً امروز بیش از ۳ هزار نفر از کارگران هفت تپه در يك اقدام شورانگیز اعضای هیئت بازگشایی سندیکا را مورد تأیید قرار دادند. آنان ضمن معرفی اعضای هیئت بازگشایی با امضاء و اثر انگشت خود شایستگی آنان را تأیید کردند. اسامی اعضای برگزیده ی هیئت مؤسس عبارت است از: ۱- فریدون نیکوفرد-۲- جلیل احمدی-۳- علی نجاتی-۴- رحیم بسحاق-۵- محمد حیدری مهر-۶- رمضان علیپور-۷- نجات دهلی-۸- علی شریفی.

۲۸ خرداد ۱۳۸۷

کارگران هفت تپه برای چندمین بار به همراه خانواده های شان در سه راه هفت تپه تجمع نمودند و جاده ی اندیمشک- اهواز را مسدود کردند. بعد از نیم ساعت نیروی انتظامی در محل تجمع حاضر شد. هیئت بازگشایی سندیکای کارگران برای جلوگیری از درگیری از کارگران خواستند جاده را باز نمایند.

۲۹ خرداد ۱۳۸۷

کارگران هفت تپه به همراه خانواده های شان که تعداد آنان به بیش از ۲۰۰۰ هزار نفر می رسید، در سه راه هفت تپه، تجمع کردند و مجدداً اقدام به مسدود کردن

جاده ی اهواز- اندیمشک نمودند. نیروی انتظامی تلاش کرد مانع عمل کارگران شود، که با مقاومت کارگران روبرو شدند.

۳۰ خرداد ۱۳۸۷

کارگران به همراه خانواده های شان به تجمع خود در محوطه ی کارخانه ادامه دادند. کارگران در ضمن منوچهر زیودار، مسئول حراست کارخانه را که نقش عمده ای در پرونده سازی بر علیه کارگران هفت تپه داشت، احاطه کرده و با وضعیت تحقیر آمیزی او را از کارخانه به بیرون انداختند. نیروی انتظامی که در بیرون از کارخانه مستقر بود، وی را سوار خودرو کرده تا کارگران آسیبی به او نرسانند.

۲ تیر ۱۳۸۷

در ادامه ی اعتراضات روز های قبل، کارگران هفت تپه که تعدادشان به حدود ۴۰۰ تن می رسید، به داخل آرامگاه دانیال در شوش رفتند. و تا چندین ساعت در آن جا متحصن شدند.

عوامل امنیتی در بیرون از آرامگاه مانع ورود کارگران دیگری شدند که خواهان پیوستن به همکاران خود بودند. این عوامل همچنین به نجات دهلی، یکی از اعضای

هیئت بازگشایی سندیکا حمله کرده و او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند.

۳ تیر ۱۳۸۷

شفیعی مدیر عامل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که از مدت ها پیش، در هراس از اعتراضات کارگران از آمدن به کارخانه خودداری می کرد، امروز در جمع کارگران اعتصابی حاضر شد و به آنان قول داد؛ تا دو هفته ی دیگر تمامی حقوق معوقه ی کارگران پرداخت خواهد شد. با توجه به صحبت های شفیعی، کارگران تصمیم دارند در ارتباط با ادامه یا توقف اعتصاب (تا دو هفته ی دیگر) نشست مشورتی داشته باشند.

۴ تیر ۱۳۸۷

امروز پنجاهمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه است و بخش عمده ای از کارگران در اعتصاب به سر می برند. کارگران نیشکر هفت تپه، تا پایان وقت اداری امروز کارگران تصمیم قطعی خود را در مورد توقف اعتصاب به شرط عملی شدن وعده ی مدیر عامل اعلام خواهند کرد.

کارگران نیشکر هفت تپه نماد تحرک

، پویایی و مبارزه طلبی طبقه کارگر

این خود واقعی است که وضعیت کارگران در ایران، هیچ گاه تا به این حد سخت و فلاکت بار نبوده است. اخراج ها و بیکارسازی کارگران به بهانه ها و ترفندهای مختلف، از جمله به بهانه ی خصوصی سازی و تغییر ساختار، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء به کارگران و تشدید فشار، ناامنی شغلی و اقتصادی و بی حقوقی مطلق به طبقه کارگر و . . . خود تنها نمونه هایی از شرایط بسیار سخت و طاقت فرسایی است که توسط سرمایه داری حاکم و عاملین و حامیان ریز و درشت آن، دقیقاً در راستای استثمار

هر چه شدیدتر کارگران، انباشت بیش از پیش سرمایه و کسب سودهای نجومی، به طبقه ی کارگر ایران تحمیل میشود.

کارگران اما به شهادت واقعیات و شواهد موجود هیچ گاه در مقابل تعرض سرمایه - از هر جناح و باندهی - به

حقوق و منزلت خویش، ساکت ننشستند و به دفعات و هر بار به فراخور توان خویش در منطقه ای و کارخانه ای به مقابله و رودررویی با تهاجم سرمایه و دفاع از خواستها و مطالبات خویش برخاستند. در این راه از خودگذشتگی های فراوانی به خرج دادند و دست آوردها و تجارب گرانقدری از خود به یادگار گذاشتند. اما علی رغم همه ی جان فشانی ها و رشادت های خویش در اینجا و آنجا و موفقیت شان در این عرصه یا آن عرصه، عمدتاً به دلیل عدم انسجام و یکپارچگی لازم و در همین رابطه فقدان تشکل های رادیکال، مستقل و طبقاتی.

کارگران کمتر توانستند به نتیجه ی مطلوب برسند و سرمایه داران را از هر نوع و قماش آن، به مثابه ی عامل و مسبب همه ی بدبختی ها و سیه روزی های طبقه ی کارگر، به شکل همه جانبه ای به عقب برانند.

مبارزات و مقاومت های آگاهانه و بی دریغ کارگران خباز و نساجی های کردستان و سراسر ایران، و نمایندگان آگاه و شجاع آنان و رو در رویی و مقاومت به یاد ماندنی کارگران در خاتون

آباد کرمان، کوره پز خانه ها، شرکت واحد تهران، کشتی سازی بوشهر، الکترونیک رشت، یخچال سازی لرستان، لاستیک البرز و بسیاری دیگر از مراکز کار و تولید در ایران، در دفاع از حقوق و مطالبات کارگران، خود نمونه های شکوهمند و افتخار آفرینی را از فداکاری ها و جان فشانی های کارگران، علی رغم همه ی شکست ها و پیروزی هایشان به نمایش می گذارد.

یکی از نکات مهم و قابل تامل در این میان، این است که سرمایه بر اساس ماهیت سودجو و حریص خود، هر بار سکان این مقاومت و مقابله جویی را به دست بخشهایی از کارگران، در جایی و منطقه ای و کارخانه ای می سپارد و جالب اینکه، اینبار قرعه به نام کارگران نیشکر هفت تپه خورده است. اینبار کارگران دلیر و خستگی ناپذیر این شرکت، با همه ی سوابق مبارزاتی خود و با درس آموزی از رو در رویی و مقاومت های هم زنجیران خویش، در اقصی نقاط ایران، امر خطیر مقابله با تعرضات سرمایه، در همه ی اشکال و صور آن را در منطقه و در این شرکت

برعهده گرفته اند و چه جانانه و دلورانه این مهم را به پیش می برند.

کارگران مبارز نیشکر هفت تپه، امروزه با حرکت های آگاهانه و رشادتهای خویش، در مقابله با عوامل و گماشتگان سرمایه و ادامه ی اعتراضات و اعتصابات به راستی شکوهمند خود، در حقیقت برگ زرینی را بر تارک مقاومتها و قهرمانی های طبقه ی کارگر ایران و درسهای گرانبهایی را برای هم طبقه ای های خود به ارمغان آوردند. خستگی ناپذیری و پی گیری کارگران این شرکت، در دفاع از خواستها و مطالبات کارگری به سطوح بالاتر آن، خود درس های مهم و ذقیتمتی باخود به همراه دارد. کارگران نیشکر هفت تپه، در عین حال نشان داده اند که حتی می توان در کوران رودر رویی و مبارزه بخاطر خواستها و حقوق پایه ای کارگران و با وجود فشارهای شدید مالی و پلیسی، آگاهانه و نقشه مند، در جهت ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی کارگران حرکت نمود و آن تشکل ها را بر پای داشت. کارگران هفت تپه همچنین نشان داده اند که به اهمیت برخورداری از آگاهی و تشکل، آنهم نه از نوع وابسته و

سازشکار آن، بلکه از نوع رادیکال و مستقل آن واقفند و بر موجودیت آن برای ادامه مبارزه و انسجام و هماهنگی بیشتر آن، تا رسیدن به خواستها و مطالبات حقه و انسانی کارگران تاکید دارند.

حرکت های اخیر کارگران نیشکر هفت تپه، البته می تواند آگاهانه تر، منسجم تر و تأثیرگذارتر باشد و ضمن موفقیت در کارزار موجود، نقشی برجسته و اساسی در جنبش کارگری ایران ایفاء نماید.

کارگران مبارز و خستگی ناپذیر نیشکر هفت تپه و نمایندگان آگاه و دلسوز آنان خود واقفند که بدون حمایت های کارگران دیگر شرکت ها و کارخانه های بزرگ و با اهمیت تولیدی و صنعتی- که خوشبختانه در همان استان خوزستان هم کم نیستند - به سختی می توان در رو در رویی و مقابله با سرمایه داران از همه ی جناح های آن و با همه ی امکاناتی که در اختیار آنان قرار دارد به پیروزی رسید و آن طبقه ی ضد کارگر را به عقب نشینی وادار نمود. تجربه نشان داده است که کارگران یک کارخانه، هرچقدر هم که فداکاری نمایند، بدون حمایت

سایر کارگران به سختی خواهند توانست به مبارزه ی خود ادامه دهند.

لذا کارگران فهیم و آگاه شرکت هفت تپه، می توانند برای جلب حمایت بخشهای هر چه وسیع تر کارگران، برخی از اساسی ترین خواستها و مطالبات سراسری کارگری را که صد البته خواست و منفعت کارگران این شرکت نیز در آن منظور شده است، مثل لغو قراردادهای موقت کار و استخدام رسمی و دائمی کارگران، و یا پرداخت بیمه ی بیکاری مکفی به کارگران بیکار تا زمان اشتغال مجدد آنان، و یا پرداخت حقوق و مطالبات معوقه ی کارگران در تمامی کارخانه ها و شرکت های بحران زده، از طریق صندوق ذخیره ی ارزی و مازاد درآمد نفتی و یا هر منبع مالی دیگر دولتی، تا روشن شدن وضعیت آن شرکت ها و کارخانه ها و ... را در لیست مطالبات خویش بگنجانند و از همه ی کارگران، بویژه کارگران شرکت نفت و گاز و پتروشیمی و آب و برق و تلفن و کارگران حمل و نقل و ماشین سازی ها و . . . اکیدا" و در هر فرصت مناسب بخواهند که از آنان و مطالبات شان در کارزار با

سرمایه داران حمایت های جدی و عملی نمایند. کارگران شریف و زحمتکش هفت تپه همچنین می توانند بر طبق طرح و برنامه ی مشخص ، با کارگران آگاه دیگر شرکت ها و کارخانه ها ، لااقل در منطقه خوزستان و همین طور فعالین کارگری در سرتاسر ایران ارتباط برقرار نمایند و از آنان در بسیاری از موارد ، از جمله جمع آوری کمک های مالی و اختصاص یکروز حقوق و مزایای کارگران ، برای ادامه ی اعتصاب کارگران هفت تپه ، تا پیروزی و رسیدن به خواسته هایشان استفاده کنند. کارگران هفت تپه می توانند امیدوار باشند که طبقه ی کارگر ایران ، بویژه بخشهای آگاه و پیشرو آن به ارزش های مبارزه ی کارگران شجاع و زحمتکش هفت تپه واقف بوده و حمایت های خویش را از کارگران آن شرکت دریغ نخواهند کرد . آنان نیز می دانند که بدون این حمایت ها، امکان تعمیق و تداوم مبارزه با سرمایه داری وجود نخواهند داشت.

کارگران رنج دیده و فداکار الکتریک رشت ، نساجی کردستان و قائم شهر ، شاهو و پرریس سنندج ، شرکت واحد و بسیاری از کارخانه ها و شرکت ها خوب

می دانند که آنچه دیروز برآنان گذشته است ، امروز بر کارگران نیشکر هفت تپه می گذرد و آنچه امروز نیز بر کارگران این شرکت می گذرد ، فردا ممکن است دامن کارخانه هایی مثل ایران خودرو ، پارس خودرو و بسیاری از کارخانه های دیگر را بگیرد و . . .

لذا در شرایط موجود ، وظیفه ی فوری و عاجل تمامی کارگران آگاه و پیشرو و همه ی فعالین کارگری در داخل و خارج و همین طور همه ی انسانهای شریف و عدالت طلب است که به هر نحو که صلاح می دانند ، از کارگران شرکت هفت تپه و مطالبات آنان حمایت نمایند و کارگران این شرکت را در مبارزه بخاطر حقوق و منافع انسانی شان تنها نگذارند .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل های کارگری